

امروز شما نگاه کنید! همه جا روزه دار است، همه جا در حال ذکر و در حال توجّه است و بهترین روزه داران از میان جوانانند. جلسات قرآن، جلسات دعا، جلسات توسّل، جلسات تضرّع و سخنرانی‌های طولانی هست... اعتکاف نیز همین طور بود. اصلاً اعتکاف در گذشته خیلی کم بود... امروز جوانان ما - در دنیایی که نسل جوان روز به روز، رو به فساد بیشتر می‌رود - در این مملکت، روزه‌روز پاکیزه‌تر، طاهرتر و نورانی‌تر می‌شوند.»

### چرا ترامپ به واسطه‌ها التماس می‌کند؟

**رسالت:** سفر عمران خان به تهران در حالی صورت می‌گیرد که کاخ سفید علاوه بر اسلام آباد، از بازیگران دیگری مانند دوحه، بغداد، آنکارا، توکیو و متحدان اروپایی خود نیز خواسته است تا نهایت تلاش خود را برای واسطه‌گری میان واشنگتن و تهران به کار گیرند. به راستی چه اتفاقاتی در حوزه سیاست خارجی آمریکا رخ داده است؟ آیا ترامپ (با توجه به شخصیت خاص خود) به نوعی بیداری و تنبه ذاتی در خصوص ایران رسیده است؟! آیا هدف کلان مقامات آمریکایی مبنی بر «تغییر نظام سیاسی ایران» در حال تغییر است؟ پاسخ این سؤالات قطعاً منفی است!

واقعیت امر این است که رخدادهایی مانند برکناری جان بولتون مشاور امنیت ملی آمریکا از قدرت و یا تلاش بی‌وقفه ترامپ و التماس وی برای مذاکره با ایران نشئت گرفته از نوعی «فاجعه محاسباتی» در سیاست خارجی آمریکا و متعاقباً، تحقق «استیصال واشنگتن در برابر ایران قدرتمند» است. آنچه امروز ترامپ را نسبت به مذاکره با ایران سوق می‌دهد یک «تغییر استراتژی» یا «تغییر رویکرد ذاتی دولت آمریکا» نیست، بلکه نوعی «جبر استراتژیک» است که ترامپ امروز آن را با تمامی وجود حس می‌کند. ترامپ به خوبی می‌داند که در ترسیم مختصات و محاسبه هزینه و فایده «استراتژی فشار حداکثری» در قبال ایران به شدت اشتباه کرده است. او امروز به هر واسطه‌ای چنگ می‌زند تا هزینه کمتری در این مواجهه بدهد. در چنین شرایطی دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی کشورمان، باید از «استیصال ترامپ در برابر ایران قدرتمند» به مثابه یک دستاورد ناب صیانت کند. ترامپ به خوبی می‌داند که هرگونه توافقی با ایران (و متعاقباً بزرگنمایی آن توافق از سوی دستگاه‌های رسانه‌ای و تبلیغاتی واشنگتن) می‌تواند به جاده صاف کن وی در انتخابات ریاست جمهوری سال آینده تبدیل شود. کاهش شدید محبوبیت ترامپ در نظرسنجی‌های صورت گرفته در ایالات حساس و خاکستری مانند اوهایو، فلوریدا، پنسیلوانیا، ویسکانسین شوک سختی را به رئیس‌جمهور جنجالی آمریکا وارد ساخته است. یکی از شاخصه‌های ضعف ترامپ در دیدگاه شهروندان آمریکایی، سیاست خارجی شکست خورده و نامتوازن وی است. رئیس‌جمهور آمریکا تصور می‌کرد که برکناری جان بولتون می‌تواند به خودی خود این معضل را حل کند اما نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که شهروندان آمریکایی همچنان سیاست خارجی کاخ سفید در دوران ترامپ را ناامید کننده و پرهزینه قلمداد کرده‌اند. ترامپ امروز به هر واسطه‌ای، اعم از واسطه‌های منطقه‌ای، شرقی و اروپایی برای مذاکره با ایران التماس می‌کند زیرا از یک سو دیگر توان پرداخت هزینه‌های سنگین ناشی از «واکنش ایران» در

این معادله را ندارد و از سوی دیگر، خود را در چند قدمی شکست در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۰ می بیند. بهترین بازی در برهه فعلی، حفظ و حتی افزایش میزان احساس نیاز ترامپ به توافق با ایران است. هم اکنون زمان آن است تا ترامپ عواقب و تبعات سه سال تقابل مطلق با جمهوری اسلامی ایران و مواجهه با ملت ایران را به خوبی حس کند!

### سخنی با رئیس جمهور حقوقدان

**کیهان:** در شماره امروز کیهان به اظهارات اخیر آقای روحانی که در آن ضرورت نظارت استصوابی شورای نگهبان را نفی کرده و غیر ضروری دانسته‌اند، پرداخته‌ایم و مستندات قابل توجهی در نقد سخنان ایشان آورده‌ایم. در این وجیزه اما، سخن دیگری با جناب ایشان در میان است و آن، طرح این پرسش است که آقای رئیس جمهور از اظهارات اخیر خود چه منظور و مقصودی را دنبال می‌کرده است؟! چرا که؛

۱- آقای روحانی به عنوان یک حقوقدان به خوبی می‌دانند که هرگاه سخن از تاسیس یک تشکیلات در میان است، پای شرایط کسانی که قرار است عضو آن تشکیلات باشند هم به میان کشیده می‌شود بنابراین الزاماً باید کسانی باشند تا انطباق خصوصیات داوطلبان حضور در آن تشکیلات را با شرایطی که برای آن در نظر گرفته شده است بررسی کرده و نظر مثبت یا منفی خود را اعلام کنند. این نکته از بدیهی‌ترین و ابتدایی‌ترین مبانی و اصول علم حقوق است و بسیار بعید به نظر می‌رسد که رئیس جمهور محترم از آن بی‌خبر باشند!

۲- نظارت شورای نگهبان بر انتخابات «مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آراء عمومی» نص صریح اصل ۹۹ قانون اساسی است. بنابراین جناب روحانی می‌دانند که مخالفت با آن، مخالفت با قانون اساسی است. از این روی با جرأت و به یقین می‌توان گفت آقای روحانی می‌دانسته‌اند که نظر ابراز شده ایشان قابل اجرا نیست.

۳- وقتی به خوبی می‌دانند که آنچه خواسته‌اند اولاً با بدیهیات منطقی و ثانیاً با متن صریح قانون اساسی در تضاد است، به وضوح و بدون کمترین تردیدی می‌توان نتیجه گرفت که مقصود و منظور ایشان از آنچه ابراز کرده‌اند همان نیست که در اظهاراتشان آمده است! چگونه می‌توان باور کرد رئیس جمهور حقوقدان خواسته‌ای داشته باشد که یقین دارد ناممکن و ناشدنی است؟! هیئت دولت هم که جای رسیدگی به امور اجرایی کشور است و جای بیان آرزوها نیست! پس منظور ایشان چه بوده و چیست؟!

۴- با عرض پوزش باید گفت، تنها خاصیت و اثری که اظهارات ایشان می‌تواند داشته باشد «شبهه افکنی»! و مشغول کردن دیگران به پاسخ شبهه‌ای است که به میان آورده است! آیا غیر از این، می‌توان خاصیت دیگری برای آن قائل بود؟! به یقین در دورترین افق ذهن‌ها نیز برای آن هیچ خاصیت دیگری قابل تصور نیست!

۵- حالا به طرح این پرسش می‌رسیم که آیا جناب روحانی از این نکته بدیهی بی‌خبر بوده است؟! پاسخ این سؤال بدون کمترین تردیدی منفی است و با جرأت می‌توان گفت محال است شخصیتی در جایگاه ریاست جمهوری و با عنوان «حقوقدان» از نتیجه آنچه مطرح کرده است بی‌خبر باشد!

۶- اگر بپذیریم که آقای رئیس جمهور به خوبی از ناشدنی بودن و غیرمنطقی بودن سخنان خود و مغایرت و تضاد آشکار آن با قانون خبر داشته است - که به یقین خبر داشته است - پای سؤال بعدی به میان کشیده می‌شود که جناب روحانی چرا و با چه انگیزه و منظوری اصرار بر شبهه‌افکنی داشته‌اند و از این رهگذر در پی دور کردن افکار عمومی از کدام رخداد و یا مسئله و موضوعی بوده‌اند؟! تنها پاسخی که برای این سؤال به ذهن می‌رسد آن است که شبهه‌افکنی در

بدیهیات برای دور کردن افکار عمومی ملت از وعده‌های برزمین مانده دولت و مشغول ساختن مردم به مسائلی نظیر آنچه به آن اشاره شد بوده است!

### حمله به نفتکش ایرانی بی پاسخ نخواهد ماند

**سیاست روز:** یک نفتکش ایرانی با نام «سابیتی» روز گذشته در ۶۰ مایلی بندر جدّه عربستان سعودی دچار انفجار شد که احتمال اصابت موشک به آن می‌رود. این احتمال اکنون به یقین رسیده و مسئولان کشورمان اعلام کرده اند که نفتکش ایرانی «سابیتی» به فاصله نیم ساعت هدف موشک قرار گرفته است. برخی پیش بینی ها، نقش عربستان سعودی و صهیونیست ها را در این حمله موشکی بی ارتباط ندانسته‌اند. در آن منطقه از دریای سرخ نیروهای سعودی و صهیونیستی با همراهی آمریکا حضور دارند و با توجه به خصومت و دشمنی با جمهوری اسلامی ایران و شکست‌هایی که از انصار الله یمن خورده اند، نمی‌توان نقش سعودی ها و صهیونیست ها را در این حمله نادیده گرفت.

با بررسی های دقیق تر که بر روی کشتی نفتکش انجام شده و خواهد شد، روشن می‌شود که حمله موشکی از سوی چه رژیم علی‌ه نفتکش ایرانی انجام شده است و با تایید این موضوع تکلیف نیز روشن است. اگر ثابت شود سعودی ها در این حمله به طور مستقیم دست داشته اند، جمهوری اسلامی ایران دست روی دست نخواهد گذاشت و پاسخ مناسب را به رژیم سعودی با توجه به شرایط موجود در منطقه به آنها خواهد داد. در این که ایران به چنین حمله ای پاسخ خواهد داد شکی نیست، سعودی ها از هم اکنون در انتظار واکنش سخت ایران پس از اثبات نقش ریاض در این حمله باشند. برخی اظهارات نیز نقش رژیم صهیونیستی را در این حمله مطرح کرده اند که در این صورت، رژیم اسرائیل باید در انتظار پاسخ تندتری از سوی جمهوری اسلامی ایران باشد. فاکس نیوز در خبری احتمال داده که نفتکش ایرانی از سوی یک قایق صهیونیستی در دریای سرخ هدف دو موشک قرار گرفته است.

سعودی ها و صهیونیست‌ها اکنون مقابل جمهوری اسلامی ایران قرار دارند، این دو رژیم سعی دارند تا با ایجاد یک ائتلاف ضد ایرانی در منطقه، علیه ایران اقدام کنند، هر چند تاکنون به چنین ائتلافی دست نیافته اند چرا که بسیاری از کشورهای خلیج فارس و غرب آسیا با ائتلاف ضد ایرانی مخالف هستند، هر یک از آنها نیز به تنهایی توان مقابله با جمهوری اسلامی ایران را ندارند و به خوبی می‌دانند که در صورت آغاز جنگ علیه ایران، نابودی، سرنوشت قطعی رژیم صهیونیستی و سعودی ها خواهد بود. صهیونیست ها و سعودی ها باید اکنون دعا کنند که اسناد و مدارک بررسی حمله به نفتکش ایرانی نقش آنها را در این حمله اثبات نکند، چرا که جمهوری اسلامی ایران به این حملات پاسخ خواهد داد و دامنه حضور خود را در دریای سرخ نیز می‌گستراند تا از منافع خود دفاع کند.

عربستان سعودی اگر در پی گفت‌وگو با ایران برای پایان دادن به دشمنی‌ها علیه جمهوری اسلامی است و در این راه پیام می‌فرستد و از دیگر کشورها برای میانجیگری درخواست می‌کند، اگر در حمله به نفتکش ایرانی دست داشته باشد نباید به سفر عمران خان به تهران برای میانجیگری دل خوش کند.

### آیا غرب ایران را درباره بمب اتمی باور کرده است؟!

**جوان:** اول اینکه بدانیم غرب باور دارد ایران به بمب فکر نمی‌کند، هیچ چیزی رساتر از تکرار اتهام اتمی غرب به ایران نیست! آن‌ها چیزی را که باور دارند، هیچ‌گاه به زبان نمی‌آورند بلکه چیزی را که بتوانند از آن منفعی را دنبال کنند، تکرار

می‌کنند، فلذا همین تکرار بی‌امان «ایران دنبال بمب است»، بهترین نشانه برای آن است که از این حربه به عنوان یک تاکتیک استفاده می‌کند، نه یک راهبرد و باور قطعی و در واقع غرب باور کرده است که ایران دنبال ساخت بمب اتم نیست، اما اقرار به آن را خلاف زیاده‌خواهی و سلطه‌طلبی خود می‌داند و بنابراین زیرکانه آن را پنهان نگه می‌دارد و بلکه خلاف آن را ترویج می‌کند.

دوم نیز با یک فرض غلط آغاز شده است. پویایی فقه شیعه به معنای آن نیست که در هر «دامنه» و «زمینه» ای بتوان حرام قطعی را حلال یا حلال قطعی را حرام کرد. اگر اکل میته در شرایط ناچار مجاز می‌شود یا برخی احکام و فتاوا در زمینه‌های جدید قابلیت تجدیدنظر دارند، مسئله بمب اتم و کشتار یکباره میلیون‌ها انسان در هیچ دامنه و زمینه‌ای قابل تجدیدنظر نیست و از همین رو رهبری انقلاب می‌گوید ما قاطعانه دنبال بمب نرفتیم.

سوم مطرح می‌شود که با فرض قبول دو پاسخ فوق، ایران برای روزی که با بمب اتم تهدید شود، چه فکری کرده است؟! به این پرسش به ظاهر دشوار دو پاسخ فنی و ایدئولوژیک می‌توان داد. پاسخ فنی آن است که جهان در مسیری که پیش رو دارد، هم به لحاظ تکنولوژیک و هم به لحاظ سیاسی و اجتماعی، بازدارندگی‌های قوی‌تر از بمب اتم خواهد داشت و همچنان‌که ایران بدون بمب اتم در ۴۰ سال اخیر توانسته است در مقابل آن‌هایی که بمب اتم دارند، بازدارندگی و پیشروندگی داشته باشد و برعکس دارندگان بمب اتم نتوانسته‌اند مقابل ایران از بازدارندگی بمب اتم استفاده کنند، اوضاع از این پس نیز بهتر از گذشته پیش خواهد رفت و به همین خاطر است که رهبری می‌گوید ما شجاعانه به سراغ ساخت بمب نرفتیم، یعنی واهمه‌ای از عواقب تصمیم اخلاقی و دینی خود نداریم. پاسخ ایدئولوژیک هم آن است که ما آنچه را حرام تشخیص می‌دهیم، به کار نمی‌گیریم و در باورها و اعتقادات دینی خود اصل را بر مقابله به مثل با دشمن یا تقلید از دشمن قرار نمی‌دهیم.

غرب اکنون باور کرده است که ایران در فکر بمب نیست و مهم‌تر اینکه باور کرده است که ایران بدون بمب هم قوی است! آنچه را که غرب عمیقاً باور دارد و بر زبان نمی‌آورد حرف دیگری است: «ما عمیقاً نگرانیم که ایران با فرهنگ ایرانی و اسلامی و با روشی غیر از روش غرب که یکی از آن‌ها همین حرام دانستن بمب اتم است، بتواند روزی به قدرتمندترین و پیشرفته‌ترین کشور دنیا تبدیل شود.»

